



۲۰۲۰/۰۸/۲۸

تتبع و نگارش: عبدالصبور راد

## نگاه انتقادی به نمایشات محرم و عاشورای وطنی!



در ابتدای مقال، خلاصه ای از واقعه عاشورا آنچنان که رخ داد و به نحوی که پس از آن، تبیین، تلقی و تحریف شد، به بررسی گرفته می شود، از سوی چند نو اندیش دینی، که ایرانی و عرب و افغان می باشند.

### ❖ حسن اشکوری (ایرانی): نویسنده و محقق دینی:

تا آنجایی که بنده به هر حال، به مناسبت کارم در این زمینه شاید چند صد منبع را ملاحظه و مرور کرده ام، آنچه را که می توان بر اساس منابع - البته با یقین نسبی - تلقی کرد، این است که در سال ۶۰ هجری، معاویه خلیفه وقت از دنیا می رود و پسرش، که او را از چند سال پیشتر از آن، به عنوان ولیعهد و جانشین خودش تعیین کرده بود، به خلافت می رسد و او هم به فرماندار خودش یا به امیر مدینه، "ولید بن عتبّه"، نامه می نویسد که از این دو سه نفر برای من بیعت بگیر. حالا به روایتی فقط از مردم مدینه و به روایتی فقط از این سه نفر. "عبدالله بن زبیر" و "عبدالله بن عمر" و "حسین بن علی".

عبدالله بن عمر، که خب بالاخره طبق معمول، راه میانه اش را پیش می گیرد و با او برخوردی صورت نمی گیرد. ولی عبدالله بن زبیر و حسین بن علی که از قبل هم مخالف ولیعهدی یزید و جانشینی او بودند، نیمه شب شهر را رها می کنند و به مکه می آیند. در مکه، دوستانان حسین، از عراق و کوفه برای او نامه می نویسند و او هم بالاخره راهی عراق می شود و در بین راه در محاصره مأموران "عبیدالله بن زیاد" قرار می گیرد و سرانجام در یک درگیری در روز عاشورا کشته میشود.

\*\*\*

### ❖ روایت ابن طاووس از واقعه عاشورا

قدیمی ترین نظریه پرداز در موضوع شهادت امام حسین، سید بن طاووس، عالم بزرگ شیعه در قرن هفتم هجری است. وی معتقد است که امام حسین کاملاً از شهادت خود آگاه بود و در تمامی کتاب «لهوف» بر این نظریه پافشاری کرده است. از این رو، روایاتی را در این باره ذکر کرده و در مواردی به توضیح نظریه خود می پردازد. البته بحث از اطلاع امام حسین، نسبت به شهادت خود، بخشی از روایات مربوط به واقعه کربلاست که قرن ها پیش از "سید بن طاووس" نیز وجود داشته است.

### ❖ نظر میثاق العسر، اندیشمند و محقق عرب:

پیش از "سید ابن طاووس" فهم رائج شیعیان این بود که امام "حسین" نمی دانست حرکت او به سمت کوفه، که به دعوت کوفیان معترض انجام شد، به شهادتش منجر خواهد شد یا خیر. او زمانی که متوجه شد کوفیان به او پشت کرده اند، کوشید از راه رفته باز گردد؛ اما راه را بر او بستند. "حسین" مذاکره کرد تا خونی ریخته نشود، او حتی حاضر شد پیش شخص "یزید" برود تا با او بیعت کند، گرچه مایل نبود با نماینده "یزید ابن زیاد"، بیعت کند؛ اما دشمن حاضر نشد هیچ امتیازی به "حسین" بدهد. پس "حسین" خود را میان دو انتخاب ناگزیر دید:

• ذلت بیعت با ابن زیاد،

• یا عزت شهادت.

"حسین" جانب عزت را گرفت، شجاعانه مقاومت کرد و مظلومانه شهید شد. این برداشت «زمینی» از عاشورا است. اما از نظر آقای "عسر"، مقتل مشهور و اثرگذار "سید ابن طاووس" تحت عنوان «لُهوف علی قَتلی الطُّوف» (آه های سوزان بر کشتگان بیابان)، سرآغاز تغییر تفکر شیعی در تحلیل رویداد عاشورا شد. "سید ابن طاووس"، روایاتی را در مقتل خود باب کرد که بر اساس آن ها، خداوند اراده کرده بود، "حسین" را کشته ببیند «ان الله شاء ان یراک قتیلا»، روایاتی که پیش از او رواج چندانی نداشت. در این تلقی، "حسین" از ابتدا می دانست، شهید خواهد شد و به سوی سرنوشت خود حرکت کرد.

این برداشت «آسمانی» از عاشورا است. "عسر" می گوید، تا پیش از "سید ابن طاووس"، برداشت «زمینی» از رویداد عاشورا رائج بود، اما کتاب "سید ابن طاووس"، طلیعه رواج برداشت «آسمانی» از رویداد عاشورا و به حاشیه رفتن برداشت «زمینی» شد.



## ❖ دیدگاه اسد بودا، پژوهشگر افغان و استاد دانشگاه :

اگر، دور از افسانه سرایی ها اهل تشیع، با معیار تاریخی، در باب گذشته، داورى کنیم، جنگ "حسین" و "یزید"، نه یک جنگ دینی و مذهبی، بلکه بازتاب کینه های قبیله ای است که تبار آن دست کم، به منازعات پیامبر و "ابوسفیان" بر می گردد. از زمان پیامبر تا جنگ کربلا، هر کدام از بنی هاشم و بنی امیه، برای میراثی سازی قدرت سیاسی، سرسخنه کوشیدند. اسطوره رهایی بخشی در باب "حسین" و تقدیس این منازعات میان قبیله، حتی بر اساس باورهای اسلامی هم قابل توجیه نیست.

اموی ها خط سیاسی سکولار و دنیاگرایی در تاریخ اسلام اند. بر اساس منابع تاریخی، معاویه فرد سکولار بود، به اعتقاد دیگران احترام می گذاشت و در همان زمان می گفت که هر کسی اعتقاد و باور خود را دارد. "علی"، اما، به عنوان یک برادر ناراضی، زندگی کرد و برای براندازی رقیبان اموی اش، تا آخرین نفس تلاش کرد!

اگر از منظر تاریخی به حادثه کربلا بنگریم، جنگ "یزید" و "حسین"، نه یک جنگ مقدس و رهایی بخش، بلکه جنگ برادران ناراضی بر تقسیم قدرت است. امام "حسین" ادعای صرفاً خونی و نژادی داشت و صرفاً به دلیل انتساب به فاطمه، نه شایستگی های سیاسی و مدیریتی، خلافت را حق خود و فرزندانش می دانست.

مقدس سازی محرم، درک نزاع میان برادران ناراضی را، غیر قابل فهم می کند. لعن و نفرین اموی ها، نه تنها گرهی از کار فرو بسته نمی گشاید، بلکه چشم ما را نسبت به وقایع تاریخی کور می کند. ما باید با دید انتقادی به این موضوع بنگریم و قبول کنیم. "معاویه" بیشتر از "علی" به تکثر اعتقادی و مروت و بردباری باور داشت. از نظر تاریخی، دوران خلافت "علی"، دوران جنگ داخلی و درونی سازی کفار است و دوران خلافت "معاویه"، دوران فتوحات خارجی و رونق تجارت و آبادسازی شهرهاست.

هر چند تمدن اسلام از اساس، یک تمدن غارتی است، اما به هر حال، اگر تمدن اسلامی را به عنوان یکی از مهم ترین تمدن های بشری به رسمیت بشناسیم، اموی ها، پایه گذار اصلی تمدن اسلامی هستند و برای توسعه و شکوفایی آن تلاش های درخشانی انجام دادند!

\*\*\*

تا جائیکه به خاطر دارم، روز عاشورا، در دوره اعلیحضرت فقید محمد ظاهر شاه و دوره جمهوریت داوود خان، حتی روزگاران خلقی ها و پرچمی ها، رخصتی رسمی بوده است. تبجیل از واقعه عاشورا در اندرون تکایا و حسینییه ها، به نکوئی و آرامش، انجام می شده؛ ارکان دولت وقت هم در مراسم یاد بود حضرت "امام حسین" رضی الله عنه، نواسه گرامی پیامبر اکرم، اشتراک می کردند. اهل سنت افغانستان، به اهل بیت رسول مکرم، عشق عظیم دارند، بزرگداشت عاشورا، در صورتیکه با عقل و امنیت اجتماعی، همراه باشد؛ مشکلی ایجاد نمی کند. اما آنچه امروز می نگریم، یاد بود عاشورا نیست. مزاحمت و تعذیب خلق الله است، تعطیل عقل است و نمایش جنون تنظیم ها.

گریستن و اندام خود را برای امام حسین، خونین و خاکی کردن، پیراهن دریدن، زنجیر بر پشت و کمر زدن، برای ثواب و رفتن به بهشت، از خرافه های خطرآفرین و ضد کرامت بشری است.

■ اگر امام "حسین"، خود را برای احیای دین، به کشتن داده باشد، پس چه جای گریه و زاری است؟

■ اگر امام، طوریکه "ابن طاووس" شیعی، تبیین کرده، بر اساس مقدرات محتوم (یعنی اراده حق تعالی)، به قتل رسیده باشد؛ باز چه جای شکایت و جامه دریدن است!

مذهب امامیه، که در دوران صفویه به زور سرنیزه بر قلمرو ایران، حاکم شد، راه را برای آخوند های شیاد، گشود، تا خویشتن را نائب امام و سپس نماینده خدا بر روی زمین، قلمداد کنند. این نابکاران تاریخ، دین را دکان تجارت و منفعت شخصی و فامیلی ساختند و بر اسب مراد، همه سو تاختند.

خمینی ۴۲ سال قبل، دین را دولتی ساخت و مذهب ایرانی را با تانک و توپ به افریقا و آسیا و اروپا، صادر کرد. سپاه قدس، سپاه فاطمیون، سپاه زینب، این روز ها، منویات آخوند های ایرانی را به مرز های دور می برند. خیابان ها را بستن، فریاد و واویلا کردن، بوق های دلخراش زدن، کوبیدن طبل و نقاره، بیرق های سبز و سرخ بر در و دیوار آویختن، در حال حاضر، نمونه هایی از تظاهرات محرم و عاشورا و تاسوعا در افغانستان است.

حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی که پول دسترخوان ارگ او را، ایرانیان، تأمین می کردند، در دوران پر فساد زمامداری اش، کشور را به زیاله دان خرافه های وارده از ایران تبدیل کرد، آنچه امروز می نگریم، بقایای همان واردات بنجل است.

\*\*\*\* \* \* \* \* \*\*\*\*

نگاه انتقادی به نمایشات محرم و عاشورای وطنی!  
[raad\\_as\\_mahram\\_wa\\_aashura.pdf](#)

